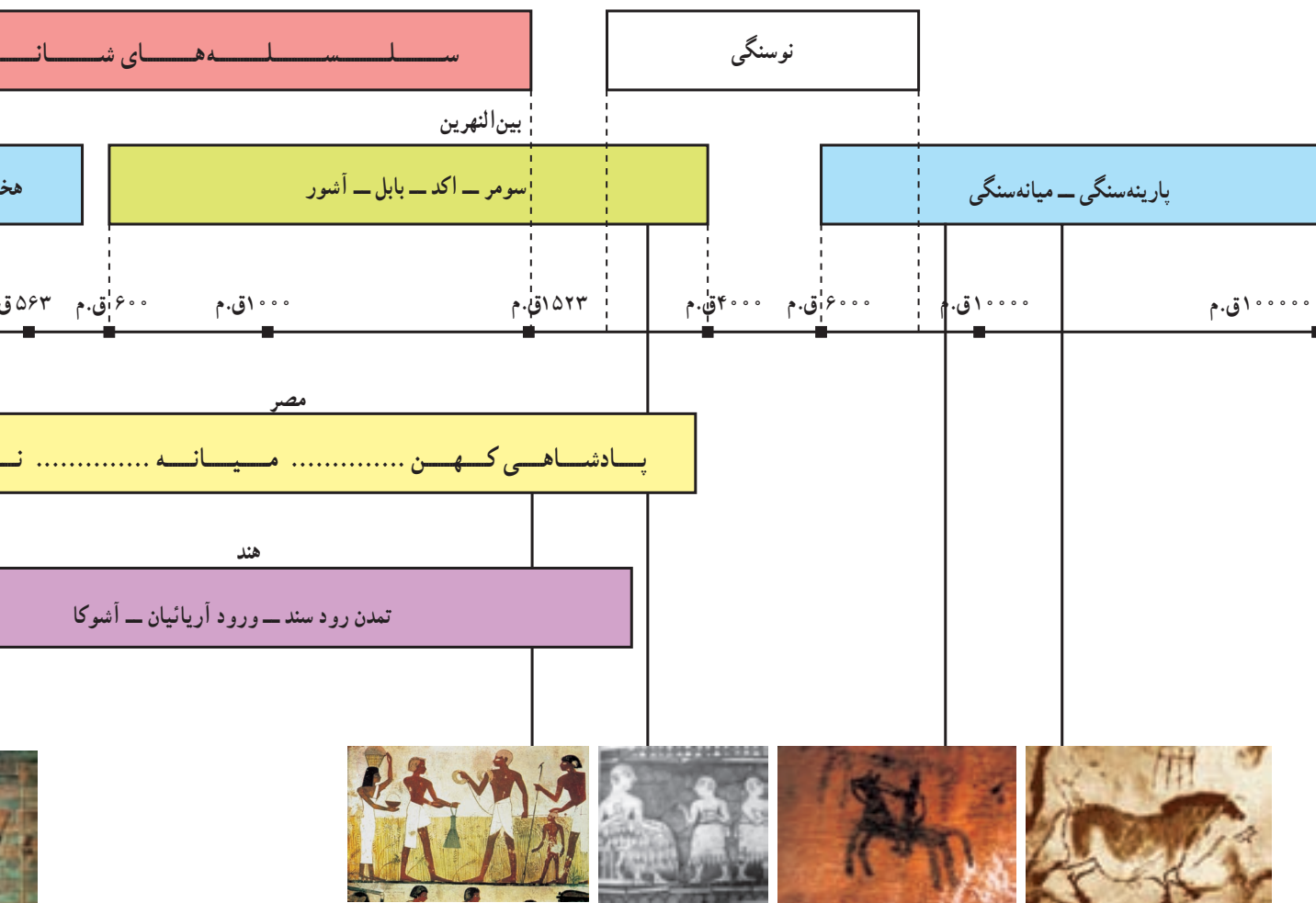


نمودار تاریخ نقاشی تمدن



بین‌النهرین

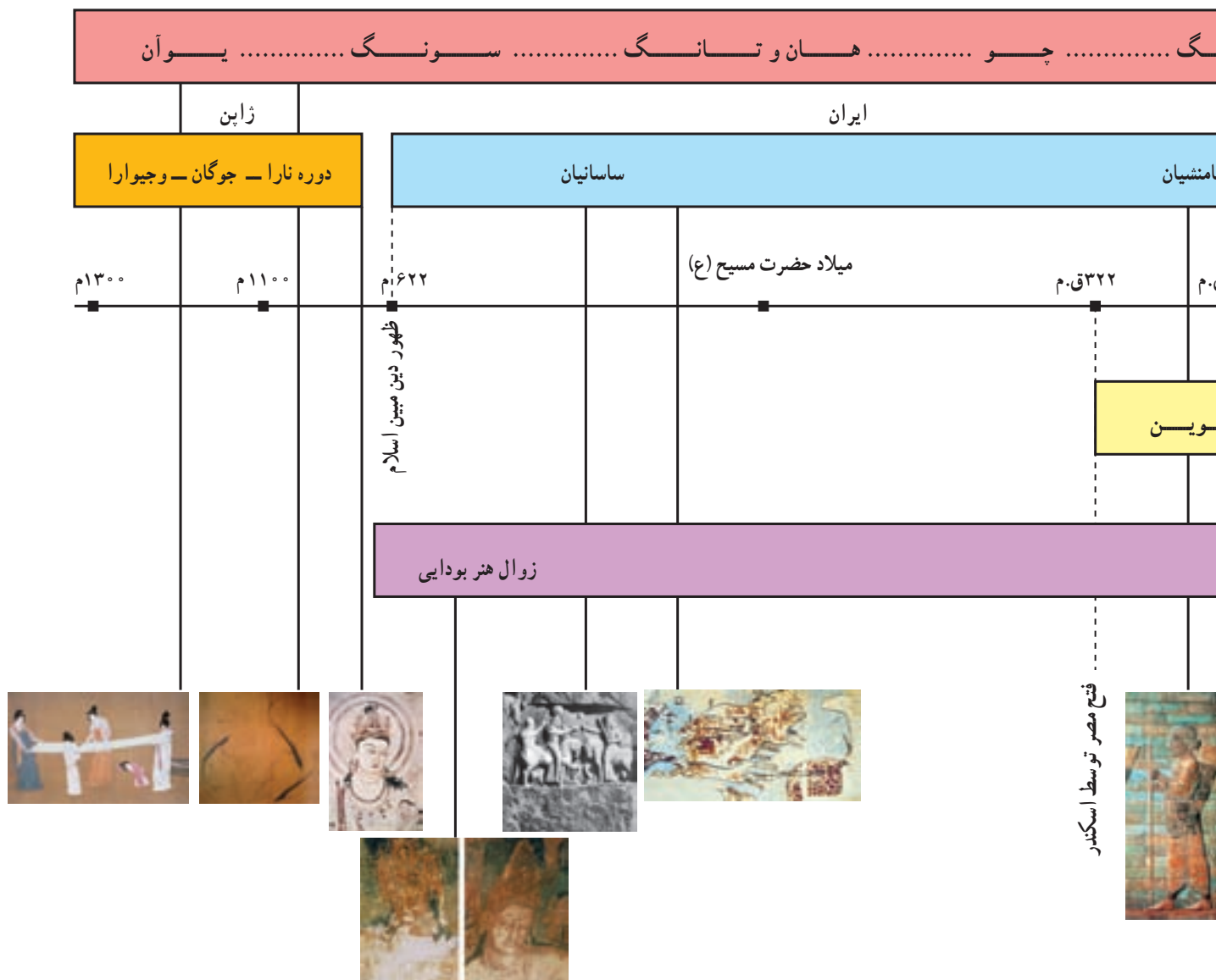
ایران

هند

چین

ژاپن

مصر



بخش دوم

آشنایی با مکاتب نقاشی جهان

فصل سوم: نقاشی در تمدن‌های باستانی

فصل چهارم: مکاتب نقاشی اروپا قبل از رنسانس

فصل پنجم: مکاتب نقاشی اروپا از رنسانس تا نیمه‌ی سده‌ی نوزدهم میلادی

فصل ششم: مکاتب نقاشی غرب تا اواخر سده‌ی بیستم میلادی



نقاشی در تمدن‌های باستانی

اهداف رفتاری: در پایان این فصل هنرجو باید بتواند:

- موضوعات، خاستگاه‌ها و ویژگی‌های هنر نقاشی را در تمدن‌های بین‌النهرین، مصر، چین، ژاپن و هند توضیح دهد.
- تفاوت‌ها و شباهت‌های میان نقاشی تمدن‌های باستانی را شرح دهد.

نقاشی بین‌النهرین

در آثار به‌جای مانده از اوایل هزاره‌ی چهارم پیش از میلاد، نشانه‌های سکونت انسان در دره‌های بزرگ دو رودخانه‌ی دجله و فرات (بین‌النهرین) دیده شده است.

تمدن‌های بزرگی در بین‌النهرین ایجاد شده‌اند. اطلاعات به‌دست آمده از این تمدن‌ها مربوط به اکتشافات باستان‌شناسی پس از جنگ جهانی دوم می‌باشد. این اکتشافات، نقش برجسته‌ها و مجسمه‌های زیادی برای ما به ارمغان آورده است. چهار تمدن بزرگ بین‌النهرین عبارتند از: ۱- سومر ۲- بابل ۳- آکد ۴- آشور

سومریان نخستین افرادی بودند که در این دره مستقر شدند. گذشته‌ی این قوم بر ما آشکار نیست آن‌ها پیش از هزاره‌ی سوم ق.م خط را ابداع کردند و در شهرها حکومت مستقل به‌وجود آوردند. آثار به‌دست آمده از حفاری‌های شهرهای بابل، اور، لاگاش و غیره حاکی از آن است که سومریان در هنرهای مختلف مهارت داشته‌اند.

در بین‌النهرین تمایزی میان هنر و صنعت وجود نداشت و هنرمندان از احترام بالایی برخوردار بودند. آن‌ها مهارت خود را موهبت الهی می‌دانستند.



صنعتگران با آن که از لحاظ تهیه‌ی مواد اولیه چون سنگ، چوب و فلز مشکل داشتند ولی خلاقیت و ابداع آن‌ها در دنیای باستان رقیبی نداشت. آن‌ها مواد و مصالح ضروری را از طریق تجارت با سوریه، آسیای صغیر و ایران تأمین می‌کردند. مواد قابل دسترس در منطقه گل، نی، کاه و قیر بود. بنابراین آثار به‌جا مانده از این تمدن‌ها بیشتر به‌صورت خشت و الواح گلی است. این الواح گلی شاید جزء اولین کتاب‌های خطی و تصویری جهان محسوب می‌گردند.

سومریان در ساخت معابد نیز از خشت خام و پخته و ملاتی از قیر استفاده می‌کردند. زیگورات مهم‌ترین ساختمان به‌جا مانده در منطقه‌ی بین‌النهرین است. اسلوب‌های هنری سومریان در خدمت مذهب و حکومت بود.

سردیس مرمری زن متعلق به هزاره‌ی چهارم ق.م که از ناحیه‌ی وارکا به دست آمده است. یکی از قدیمی‌ترین نمونه‌های مجسمه‌سازی بین‌النهرین به‌شمار می‌رود. (تصویر ۱-۳)

تصویر ۱-۳- سردیس زن، ۳۵۰۰ ق.م، مرمر سفید، بلندی حدود ۲۰ سانتی‌متر محل نگهداری موزه عراق، بغداد



سومریان برای نمایش پیکره‌ها و مجسمه‌هایشان اصول و قواعد خاصی را رعایت می‌کردند. آن‌ها برای نمایش پیکره‌ها، لباس‌ها، چشمان و پاها به‌خصوص دست‌ها را در حالت دعا به روی سینه قرار می‌دادند. این شیوه‌ی نمایش در آثار دوبعدی به‌دست آمده نیز دیده می‌شود. کاسه‌ی چنگ اور (تصویر ۲-۳) و نشان شهر اور (تصویر ۳-۳) رواج سنت تصویرسازی با اصول و قواعد ویژه را نشان می‌دهد معمولاً سر و دست و پا از زاویه‌ی نیم‌رخ ولی چشم و شانه و نیم‌تنه از زاویه روبه‌رو رسم می‌شد. این شیوه‌ی ترسیم که به اصل تقابل معروف است از بین‌النهرین به سایر تمدن‌ها خصوصاً مصر راه یافته و در آثار نقاشی آن‌ها به کرات دیده می‌شود.

تصویر ۲-۳- (قسمتی از چنگ ۲۶۰۰ ق.م، پیدا شده از شهر اور، طلا و منبت چوب، محل نگهداری بریتیش میوزیوم، لندن)



تصویر ۳-۳- بخشی از نشان شهر اور، اواسط هزاره‌ی سوم ق.م

پرسش‌ها

- ۱- چهار تمدن بزرگ بین‌النهرین را نام ببرید.
- ۲- ابداع خط مربوط به کدام تمدن است.
- ۳- هنر و صنعت در بین‌النهرین چگونه بود؟ توضیح دهید.
- ۴- اصول و قواعد نمایش پیکره‌ها، در هنر سومریان را شرح دهید.

نقاشی مصر

سرزمین مصر در شمال شرقی قاره‌ی آفریقا واقع است. تمدن مصر وابستگی کامل به رودخانه‌ی نیل دارد و در کرانه‌های حاصل‌خیز آن به‌وجود آمده است. اگرچه کهن‌ترین آثار هنری به‌دست آمده از مصر به دوره‌ی میانه سنگی و حدود ۸۰۰۰ سال پیش مربوط می‌شود اما شکوفایی هنر و فرهنگ مصر همزمان با اتحاد مصر علیا و مصر سفلی در اواخر هزاره‌ی چهارم قبل از میلاد روی داد. در این سال‌ها، فرعون‌ی مقتدر توانست سراسر مصر را تصرف کند و حکومتی واحد پدید آورد. به این ترتیب سرآغاز تمدن درخشان مصر باستان به حدود ۳۰۰۰ ق.م می‌رسد. تمدنی که تا زمان استیلای اسکندر مقدونی بر مصر، یعنی تا حدود ۳۰۰ ق.م، بدون تحوّل چشم‌گیر ادامه می‌یابد. مصر، در مراحل آغازین، متأثر از هنر بین‌النهرین به‌ویژه سومر بود. اما به تدریج استقلال و عظمت هنری والایی به‌دست آورد تا بدان‌جا که باید گفت امروزه، میراث ارزنده‌ی هنر باستانی مصر در میان هنرهای باستانی جهان، جایگاهی رفیع دارد.

هنر مصری هنری است محافظه کار، سنت گرا و دینی که تغییر و تحول در آن به ندرت روی می دهد به همین جهت آثار مصری از ساختاری تقریباً یک دست و مفاهیمی مشترک، که عموماً مربوط به جهان پس از مرگ است، برخوردارند. مصریان به دنیای پس از مرگ و مسائل مربوط به آن، از جمله حفظ و نگهداری اجساد مومیایی شده ی بزرگان خود، بسیار اهمیت داده و آثار هنری خویش را اغلب در مقابر پدید آورده اند. توجه به جهان پس از مرگ در هنر مصری به حدی است که هنر مصر را «هنر دنیای مردگان» نامیده اند. از نظر مصریان باستان هنرمند نه تنها فردی خلاق و مستقل که صنعتگری کارآزموده بود او لزوماً همراه یک گروه کار می کرد و کار او نیز فعالیتی اقتصادی محسوب می شد.

در مصر باستان هنر نقاشی نیز هم چون دیگر هنرها در خدمت جهان پس از مرگ قرار داشت. به همین جهت نقاشی های برجای مانده از مصر، عمدتاً بر دیوار داخلی مقابر اجرا شده اند. این نقاشی ها در ارتباطی تنگاتنگ با نقش برجسته ها و خط تصویری مخصوص مصریان یعنی هیروگلیف است.

اغلب میان هنر نقش برجسته سازی و نقاشی نوعی آمیختگی وجود دارد. نقش برجسته های مصری نوعی طراحی حک شده بر روی دیوارهای سنگی بناهاست، که هم به لحاظ قراردادهای تصویری و نوع ترکیب اجزا و هم محل اجرا و حتی موضوعات شباهت بسیاری به نقاشی های دیواری دارد. چه بسا نقش برجسته ها و نقاشی ها به دست هنرمند و صنعتگری واحد اجرا شده باشند.

(تصویر ۳-۴)



تصویر ۳-۴- نقش برجسته ی رنگ آمیزی شده، «تی» در حال شکار در مرداب، از مقبره ی تی، سقاره، حدود ۲۴۰۰ ق.م

از سویی دیگر، پیوسته نقاشی با خط تصویری - هیروگلیف - مرتبط بوده است. مصریان از خط هیروگلیف برای تفهیم و توضیح مطالب تصویری بهره می‌جستند. این خط در میان تصاویر یا در پس زمینه‌ها و برای انتقال بهتر مفاهیم به بیننده، نقش مهمی ایفا می‌کرد. کاربرد این خط علاوه بر ارزش‌های نوشتاری، به عنوان نقش‌مایه‌ی تزیینی نیز همگام با نقاشی‌ها کاربرد داشت. لذا نقش برجسته، نقاشی و نوشتار هیروگلیف اغلب در کنار هم و مرتبط با یکدیگر و مکمل هم بودند و سطوح گسترده‌ای از بنا را به خود اختصاص می‌دادند.

اساس کار نقاشی مصری بر روایتگری قرار داشت، بی‌آن که طبیعت‌پردازی کند و یا اشخاص و اشیاء را به همان شکلی که هستند بنمایاند، او از قواعد معینی تبعیت می‌کرد که ناشی از تمایل وی به نمایش مستقیم و واضح و ساده‌ی اشخاص و دنیای پیرامون بود. معمولاً سر و دست و پا از زاویه‌ی نیم‌رخ ولی چشم و نیم‌تنه از زاویه‌ی روبه‌رو ترسیم می‌گردید. این طرز ترسیم اشخاص تابع قاعده‌ای بود که آن را اصل تقابل^۱ گویند و نه تنها در هنر مصر که در هنر سایر جوامع باستانی خاورزمین، از جمله بین‌النهرین نیز، مورد پیروی قرار می‌گرفت ولی مصریان توجه و تأکید بیش‌تری به آن داشتند. (تصویر ۳-۵)



تصویر ۳-۵- پرداخت مالیات، بخشی از دیوار نگاره، حدود ۱۵۰۰ ق. م

قاعده‌ی دیگر، انتخاب اندازه‌ی پیکرها برحسب اهمیت و مقام اشخاص بود. بدین معنی که شخصیت اصلی تصویر، که اغلب فرعون بود، از همه بزرگ‌تر به تصویر درمی‌آمد. پیکرهای ملکه، شاهزادگان، کشاورزان و بالآخره بردگان و در نهایت دشمنان مغلوب به ترتیب کوچک و کوچک‌تر ترسیم می‌شد. این روش، تعادل در ترکیب‌بندی را ممکن و فهم اثر را برای مخاطبان آسان می‌کرد. اشخاص مهم، در حالتی قراردادی، آرام و باوقار نشان داده می‌شدند ولی پیکر افراد فرودست را پرتحرک و سرزنده نمایش می‌دادند. گویی در آن عصر رعایت قراردادهای و به‌ویژه اصل تقابل در مورد شخصیت‌های مهم، به مراتب بیش از افراد عادی، الزام‌آور بوده است. (تصویر ۳-۶)

۱ - frontality



تصویر ۳-۶- نفرتاری و خدای «توت» بخشی از دیوار نگاره، ابوسمبل، حدود ۱۲۵۵ ق. م
خط هیروگلیف، علاوه بر انتقال مفاهیم به موازات دیوار نگاره‌ها، نقشی مؤثر در آراستن فضاها و داخلی بناهای مصری ایفا می‌کرد.

صحنه‌های نقاشی کم‌تر با زمان و مکان مشخصی ربط داشت و پس زمینه‌ها معمولاً دارای طرحی ساده و قراردادی بود. نقاش مصری پرسپکتیو را نمی‌شناخت و اغلب موضوع موردنظرش را در چند بخش ثبت می‌کرد. در نقاشی‌های به‌جا مانده، پایین‌ترین بخش نشان‌دهنده‌ی پیش زمینه است. در هر بخش اشیای عقب‌تر یا داخل اشیای دیگر و یا در بالای آن نشان داده می‌شوند. گاه نیز قطعات و یا پیکرهای جداگانه مراحل مختلف یک عمل را می‌نمایانند. در هر حال اصل بر آن بوده است که نمایش اشیاء و صحنه‌ها صورت توصیفی داشته باشد، نه چنان که در لحظه یا زمان و مکانی معین به نظر آید.

با آن که در دیوار نگاره‌های مصری جنبه‌های قراردادی و خصلت‌های نمادین اهمیت دارد و این شیوه طی تقریباً سه هزار سال، کمابیش بدون تغییر اساسی، تکرار می‌شده‌اند ولی مهارت‌های فنی هنرمند گاه‌به‌گاه، در اجزای نسبتاً کم اهمیت، خود را نشان داده است، مثلاً در شکل حیوانات، و به‌خصوص پرندگان، که نزدیک به شکل طبیعی ترسیم می‌گردیده‌اند. (تصویر ۳-۷)



تصویر ۳-۷- غازهای مِدوم، بخشی از دیوار نگاره، بلندی حدود ۴۵ سانتی‌متر حدود ۲۶۰۰ ق. م.

موضوع دیوار نگاره‌ها عبارت بودند از صحنه‌های روستایی، کشت و برداشت، کارگران در حال کار، فرعون و خانواده‌اش در حال بازی و جنگ و تفریح و یا حضور در میهمانی‌های درباری و مراسم مذهبی. این تصاویر، وقایع و اعمال روزمره را در حیات پس از مرگ نشان می‌دادند (تصاویر ۳-۸ و ۳-۹).



تصویر ۳-۸- بخشی از تزئینات آرامگاه توت عنخ آمون، نقاشی بر روی پوشش طلا، حدود ۱۵۰۰ ق. م



تصویر ۹-۳- خدای شغال «آنوبیس» قلب مرده‌ای را می‌آزماید، بخشی از یک تومار پاپیروس. ۱۲۸۵ ق. م.
در اعتقاد مصریان باستان آنوبیس خدای محافظ گورستان‌ها و خدای مرگ به‌شمار می‌رفت و اغلب به شکل آدمی با سر شغال به تصویر درمی‌آمد. در این جا وی را در حال عملکردی ناشناخته به تصویر درآورده‌اند. این‌گونه تصاویر آیینی شاید دیگر هیچ‌گاه به‌درستی قابل درک و فهم نباشند. زیرا مفاهیم اعتقادی‌ای که موجب خلق آن‌ها شده، امروزه از میان رفته است.

آماده‌سازی زمینه، اولین مرحله در اجرای یک نقش بود ابتدا لازم بود که سطح سنگی دیوار را با لایه‌ای از گل هم‌سطح کنند و سپس پوشش نازکی از گچ بر روی آن بکشند. در نقاشی روی چوب غالباً از نوعی بتونه‌ی گچی استفاده می‌شد. طرح مورد نظر به‌طور مستقیم و یا به کمک خطوط راهنما یا نقشه شطرنجی بر روی زمینه انتقال می‌یافت. پیش طرح معمولاً با رنگ قرمز انجام می‌گرفت. کار نقاش با پوشش رنگ پس‌زمینه آغاز می‌شد و بعد با رنگ کردن پیکرها، قلم‌گیری و پرداختن به جزئیات خاتمه می‌یافت.

مصریان در نقاشی دیواری از نوعی رنگ لعابی استفاده می‌کردند. حلال آن‌ها صمغ یا آب بود و قلم‌مو را از الیاف گیاهی، در اندازه‌های مختلف، می‌ساختند. شش رنگ قرمز، زرد، آبی، سبز، سفید و سیاه مورد استفاده‌ی نقاشان مصری بود. آنان با آمیزش و ترکیب این رنگ‌ها به رنگ‌های متنوعی دست می‌یافتند.

علاوه بر نقاشی‌های دیواری، از مصریان نمونه‌های متعددی نقاشی بر روی کاغذ مخصوص مصریان، یعنی «پاپیروس»^۱ نیز، برجای مانده است. اگرچه مواد و مصالح و اندازه‌های این نوع نقاشی‌ها با دیوارنگاره‌ها متفاوت است ولی قراردادهای و شیوه‌های اجرایی و موضوعات تفاوت چندانی باهم ندارند.

۱- پاپیروس گیاهی است از نوع نی که در مصر باستان وجود داشت و مصریان قدیم مغز آن را می‌خوردند و از ساقه‌اش برای ساختن طناب و بادبان استفاده می‌کردند و نوعی مقوا هم از آن می‌ساختند که بر آن می‌نوشتند (فرهنگ فارسی عمید).

پرسش‌ها

- ۱- آغاز شکوفایی هنر و تمدن باستانی مصر مقارن با کدام رویداد تاریخی بود؟ توضیح دهید.
- ۲- هنر مصر در مراحل آغازین متأثر از کدام تمدن باستانی بود؟
- ۳- محل شکل‌گیری و موضوعات آثار هنری به‌دست آمده از مصر باستان را شرح دهید.
- ۴- چرا هنر مصر باستان را هنر دنیای مردگان نامیده‌اند؟ شرح دهید.
- ۵- وجود اشتراک میان نقاشی‌ها و نقش برجسته‌های مصری را بنویسید.
- ۶- اصل «تقابل» را در نقاشی مصری توضیح دهید.
- ۷- در نقاشی مصری، اندازه‌ی پیکرها چه ارتباطی با جایگاه و مقام دینی و اجتماعی آنان داشت؟
- ۸- نقاشان مصری غالباً چه موضوعاتی را برای دیوار نگاره‌های خود برمی‌گزیدند؟